

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۱۶ جون ۲۰۱۹

پیامدهای نظام سرمایه‌داری

شناخت آسیب‌های وارده مالی - سیاسی به جامعه و مردم، کار شاقی نیست. تخلفات و سوءاستفاده نظام بانکی از اموال مملکت و به دنبال دور زدن مسئولین و مقامات رده بالای دولتی - حکومتی از قوانین، هر روزه، قسمتی از بخش‌ها و یا صفحات ارگان‌های تبلیغی نظام جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داده است. بی‌شک علل فسادهای مالی و دیگر موارد از این‌دست، روشن است. چرا که نظام مبتنی بر نابرابری‌ها، زمینه بالا کشیدن اموال عمومی را باز و به تبع، دولت هم به عنوان جاده صافکن چپاول‌گران، راه هرگونه برخورد و یا محدود کردن غارت‌گران مالی - بانکی را بسته است. در این مدت میلیاردها تومان سرمایه مملکت، به جیب تعدادی از صاحب‌منصبان رفته است و در مقابل، میلیون‌ها انسان رنج‌دیده، ناتوان از تهیه نان شب خویش‌اند. فساد اقتصادی - مالی در عرصه‌های گوناگون، جامعه را بلعیده است و در این اثناء همه رده‌های دولتی - حکومتی، گوی سبقت را از هم‌دیگر ربوده‌اند. از عناصر و نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بانکی گرفته، تا ارگان‌های نظامی همچون بسیج و سپاه و غیره، بر سرمایه‌های ایران چنگ انداخته‌اند؛ عناصر، نهادها و ارگان‌هایی که ذی ربط نظام وابسته سرمایه‌داری‌اند و بدون حمایت و پشتیبانی ارگان‌های رنگارنگ سیاسی دولت و دیگر دم و دستگاه‌های حافظ منافع طبقه حاکمه، قادر به سرازیر کردن سرمایه‌های مملکت به کیسه بی‌انتهای و به خزانه نهادها و ارگان‌های خودی نیستند.

در حقیقت حساب و کتابی برای کنترل و بررسی عملکرد دزدان حرفه‌ای و وابسته نیست. به این دلیل که بنیان‌گذار و مولد آنان، دولت‌مردان و حاکمان‌اند و همه آنان و به درجات متفاوت، مصون از حسابرسی‌اند. در این میان چنانچه، و یا این‌که روز و روزگاری، تنی چند از مسئولین و یا مقامات دولتی، اسیر دستگاه‌های بارزسی و در نهایت، سر از دادگاه‌های نظام جمهوری اسلامی در می‌آورند، سبب آن، نه اجرای قانون و به دنبال مجازات دزدان بزرگ، بلکه به تضادهای درونی نظام و پس زدن جناح‌های رقیب دولتی - حکومتی برمی‌گردد؛ برای انحراف افکار عمومی‌ست و بنابه هزاران اسناد موجود، از بالا تا پایین مقامات دولتی - حکومتی، دزد و فاسدند و از بالا تا پایین و از سر خیر و برکت قوانین اسلامی‌ست که، جامعه را درب و داغان و زندگی کارگران، زحمت‌کشان، توده‌های ستم‌دیده و کودکان ایران را نابود و به تباهی کامل کشانده‌اند.

درک شده است که در ایران زیر حکمرانی سران رژیم جمهوری اسلامی، مدخل‌های بسیار زیادی برای فساد، غارت و سر کیسه کردن مردم وجود دارد. پول‌شوئی‌ها و به قول خودی‌های‌شان، اختلاس ۱۰۰۰ میلیارد تومانی در ایران عادی

شده است؛ فساد و اختلاسی که ریشه مادی دارد و نظام سیاسی حاکم بر ایران هم، با تمام توان بُعد آن‌ها را گسترده‌تر و گسترده‌تر می‌کند. با این تفصیل معلوم است که، پایانی در خسارات وارده توسط جانیان بشریت به جامعه و به مردم نیست و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، بار و پیامدهای آن را، کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده به دوش می‌کشند. روزی «روحانی» رئیس جمهور نظام، قصد کرده بود و ادعا داشت که: "امسال هدف من این است که چگونه می‌توانم فقر مطلق را از بین ببرم! یعنی امروز از بین بردن فقر مطلق یک هدف اقتصادی شده است!".

باری، «روحانی» قصد داشت تا فقر را از بین ببرد، اما و در عوض، نه تنها دامنه فقر و نداری مردم کم نشده، ولی در ابعادی دهشتناک‌تر هم فزونی یافته است؛ به موازات آن نه تنها از میزان دزدی‌های نهادها و ارگان‌های وابسته به دولت و حکومت کاهش نیافته، بسا که کلان‌تر هم شده است. به طور مثال اختلاس کلان ۶ میلیارد و ۶۵۶ میلیون یورویی - در سال ۹۷ - در پتروشیمی، صحت این موضوع را نشان می‌دهد که، رئیس دولت جمهوری اسلامی، کمترین ساز و کار متناسب با نابودی فقر، و نیز محدود نمودن دزدی‌های اموال مملکت در مقابل خود نگذاشته است. براسستی «روحانی» هم، مانند دیگر دولت‌مردان پیشین همان مسیری را طی می‌کند که دیگر دولت‌ها و مجریان مدافع طبقه سرمایه‌داری پیگیر آن بوده‌اند. بیهوده نیست که «جهانگیری» معاون اول وی می‌گوید: "متأسفانه شاهد تکرار فسادهای مشابه در کشور هستیم".

برگردان این حرف یعنی این‌که، تکرار فساد در درون جامعه و آن‌هم از جانب حامیان دولت و حکومت، برابر با محدود و یا از بین بردن فقر مطلق نیست؛ یعنی این‌که، اختلاس و اختصاص دادن دست‌مزدهای میلیاردی، به مدیران دولتی و بانکی، برابر با سر و سامان دادن به زندگی توده‌های محروم و کودکان تنگ‌دست نیست. انصافاً این‌ها سوغاتی‌های مناسب است و سیستم جامعه‌ایست که دولت‌مردان و حکومت‌مداران ایران، برای میلیون‌ها انسان رنج‌دیده ایران به ارمغان آورده‌اند. فقر بیداد می‌کند و بار نداری و خرید نیازهای اولیه زندگی، به دلیل ناتوانی مالی کارگران و سایر زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی، بسیار و بسیار پائین آمده است و آن‌وقت وزیر نیروی کشور، «رضا اردکانیان» می‌گوید: "چون مردم ما مصرف‌گرا هستند و زیاد می‌خورند، دشمن فهمیده است نقطه ضعف کجاست و همان نقاط را تحریم کرده است". و ادامه می‌دهد "چینی‌ها تحریم نمی‌شوند، چون مشکل مصرف‌گرایی ندارند".

پس و بنابه ترهات و هرزگونی‌های وزیر نیروی کشور، چون، دشمن به نقاط "ضعف" جامعه و همچنین به خواست‌های "بنابجا"ی مردم پی برده است بر میزان تحریم‌ها افزوده است!! نتیجه این‌که، اگر "مصرف‌گرایی" مردم از بین برود و مصرف‌کننده، بر اساس نیازهای خود، خرید و مصرف کند، آنگاه جامعه، دچار آسیب‌های اقتصادی و یا با هزاران مصیبت و مشکل اقتصادی - مالی دیگر، رودررو نخواهد شد!!

گستاخی و دیده دریدگی وزیر و وزاری دولت "اعتدال" «روحانی» هم، به مانند دیگر وزیر و وزاری پیشین، حد و مرزی ندارد. البته که نظام برای گردش بهتر سیستم و مناسبات طبقه سرمایه‌داری، به چنین عناصر پست و فرومایه‌ای نیاز دارد. به طور قطع کار نظام، بدون چنین جانیانی به پیش نخواهد رفت. آری باید گفت که وزیر نیروی نظام "دُرست" می‌گوید و به این علت، گرانی آب و برق، کرایه ایاب و ذهاب، گوشت و تخم مرغ، پوشاک و مسکن و دیگر نیازهای اولیه زندگی وجود دارد، که مردم به سمت "مصرف‌گرایی" روی آورده‌اند!!

مسئلاً «رضا اردکانیان» - مانند «جهانگیری» خائن -، کاری به ریشه فساد و پول‌شوئی‌ها، کاری به اختلاس‌های کلان و میلیاردی سران دولت و حکومت، و به دنباله کاری به پشت گوش انداختن دم و دستگاه‌های نظام ندارد، که راه چپاول و غارت اموال عمومی را برای دزدی‌های کلان باز گذاشته است. چرا که به زعم وی، مقصران و بانیان اصلی اختلاس‌ها و نیز گرانی و تحریم، و هزاران بدبختی‌های درون جامعه، مردم‌اند؛ سیاست "اسراف‌گرایی" مردم هم باعث

شده است تا فقراء فقیرتر، و ثروتمندان ثروت‌مندتر شوند!! "دُرست" می‌گوید و دلیل فشارهای اقتصادی بر مردم، نه سوءاستفاده‌های اقتصادی - بانکی مدیران و "مدبر"ان جامعه، بلکه در توقعات "بیش از حد"، و در "اسراف" پوشاک، و در مصرف "بی‌رویه" خورد و خوراک مردم است! "دُرست" می‌گوید و برای علاج درد، باید درد را شناخت به طور یقین و خلاف نظر وزیر نیروی کشور می‌توان گفت که، سبب اوضاع کنونی و به ویژه گرانی سرسام‌آور اقلام اولیه زندگی، در حیات جرثومه‌های فساد هم‌چون «رضا اردکانیان» است. به این دلیل مبرهن است که اوضاع جامعه و به ویژه زندگی سازندگان اصلی آن، به چنین وضعیت ناهنجار و وخیمی شیف‌ت کرده است.

چهل سال آزرگار، این نظام به‌همراه نهادها و دم و دستگاه‌های متفاوت چپاول اقتصادی و سیاسی، مردم را سرکپسه و سرکوب کرده است؛ چهل سال آزرگار، زندگی مردم روزبه‌روز، بدتر و سیاه‌تر از روز قبل شده است و چهل سال آزرگار، نظام هر اعتراض بحقی را به وحشیانه‌ترین شکل ممکنه در نطفه خفه کرده است تا مناسبات دلبخواه سرمایه‌داری پابرجا بماند. سفره خانه‌ها، خالی از بدهی‌ترین نیازهای انسانی از جمله نان، آب، برنج، سیب‌زمینی و غیره شده است؛ خیابان‌ها پر از فارغ‌التحصیلان بیکار از یکسو و نیروی کار کودکان از دیگرسوست؛ در کارخانه‌ها یکی پس از دیگری بسته و کارگران بدون آینده روشنی، نظاره‌گر زندگی فردای خویش‌اند؛ مدارس فاقد استانداردهای اولیه است و هزاران انسان در اثر سهل‌انگاری‌های سران حکومت، خانه‌های‌شان را در اثر سیل، طوفان، باد و باران از دست داده‌اند؛ اعتیاد و روی‌آوری جوانان به مواد مخدر میلیونی شده است و در عوض، وزیر نیروی کشور و به‌همراه دیگر همپالگی‌هایش، در ناز و نعمت و بدون کمترین دغدغه و مشکلی، به زندگی انگل‌وارشان ادامه می‌دهند. پیداست که دلیل اوضاع غمبار زندگی ۹۹ درصدی جامعه، در سیستم مصرفی آنان نیست، بلکه به سیستم و به مناسباتی برمی‌گردد که زورمداران و دجالانی هم‌چون «روحانی»، «جهانگیری» و «رضا اردکانیان» به جامعه و به مردم تکلیف کرده‌اند. کاملاً عریان شده است که این حکومت‌ها و عناصر وابسته بدانان، استفاده‌ای برای جامعه و مردم ندارند. شرشان به مراتب و به مراتب، بیش از خیرشان است. همه آنان از زمره عاملان و آمران فساد، دزدی‌های بزرگ و کوچک، کلاشی و بدبختی‌ها، و به عقب‌راندن پیشرفت‌های جامعه‌اند. رکتر این‌که، تاریخ مصرف سیستم و قاعده سرمایه‌داران، مدت‌های مدیدی‌ست که به سر رسیده است و باید درب و داغان شود. قانون‌شان، بازدارنده رشد و بالندگی جامعه و نیز نبوغ و خلاقیت انسان‌هاست. نظام حاکم بر جامعه ایران مثل دیگر نظام‌های جهان، مبتنی بر نظام سرمایه‌داری‌ست و به طور قطع، در چنین نظام‌هایی رهائی انسان ناممکن، و به دنبال انسان نه به عنوان عضوی از جامعه، که از حقوقی برابر برخوردار می‌باشد، بلکه به عنوان کالا و به عنوان عنصر سود ده طبقه سرمایه‌داری به حساب - آمده و - می‌آید.

خلاصه سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران، فضای جامعه را آلوده و مسموم کرده است و باید، به جای آن پرچم و سیستم متناسب با منافع و حقوق کارگران و زحمت‌کشان به اهتزاز در آید؛ پرچم و سیستمی که زبان گویای دردمندان و میلیون‌ها انسانی‌ست که زندگی را نه برای عده‌ای محدود، بساکه برای سازندگان اصلی آن می‌خواهد.

۱۵ جون ۲۰۱۹ - ۲۵ خرداد [جوزا] ۱۳۹۸